

۲۰۲۰ / ۴ / ۲۷

کاندید اکادمیسین سیستانی

## داؤد خان، خدمتگار بی نظیر افغانستان!



محمد داود شهید در دوره ریاست جمهوری اش

داؤد خان، آن شخصیت ملی است که دو ویژه گی او را از سایر رهبران و شخصیت های سیاسی کشور بعد از کودتای ثورتا امروز متمایز میسازد:

۱- وطن پرستی داؤدخان، حفظ غرور ملی وی در برابر زورگویی ودیکته تکبرآمیز رهبران اتحادشوروی سابق در آخرین سفرش به مسکو.

۲- شهامت و تسلیم ناپذیری داؤدخان به دشمن. داؤدخان تا لحظه مرگ خود، هرگز در فکر تسلیمی به کودتاچیان که پیوسته ارگ ریاست جمهوری را بمباردمان میکردند و حتی دوسه تن از فرزندانش را به قتل رسانده بودند، نیفتاد و مرگ را برزنده ماندن و تسلیمی و اسارت در دست خوردهضابطان و نوکران بیگانه ترجیح داد.

نام داؤدخان همواره با انشکاف و ترقی افغانستان و سهمیم ساختن زنان در ترقی و تعالی کشور برده میشود، بنابراین انکشاف و عصری سازی کشور نام دیگر داؤدخان شهید است.

جاذبه شخصیت داؤدخان ، در میان روشنفکران افغان، چنان است که پس از قتل شان، تا کنون ده ها کتاب و صدها مقاله در باره خدمات و وطن پرستانه اش از سوی قلم بدستان داخلی و خارجی نوشته شده است. شخصیتی با چنین ظرفیت کاری چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی، واقعاً برای تاریخ کشور ما افتخار برانگیز است.

داکتر سید عبدالله کاظم اخیراً با نگاشتن کتاب زندگی سیاسی شهید محمد داود (درسه جلد) از کارکردهای وطن پرستانه داؤدخان در هردو دوره زمامداری شان، برای انکشاف و ترقی و تعالی افغانستان ، به تفصیل و خالصانه و صادقانه سخن زده اند که برای آنها که درک درستی از اوضاع افغانستان و جهان و منطقه در دوره اقتدار داؤدخان ندارند، بسیار آموزنده است.

هموطنان ما می دانند که ، قتل سنگدلانه داؤدخان و خانواده اش، در بامداد روز ۸ ثور ۱۳۵۷ ، توسط کودتاچیان منسوب به حزب دموکراتیک خلق افغانستان، سرآغاز تمام مصیبت ها و بدبختی ها و خونریزی های پایان ناپذیر در چهار دهه اخیر در افغانستان است. و اگر این فاجعه دردناک تاریخی رخ نمی داد و یا اگر کودتا رخ داده بود، ولی از قتل داؤدخان به عنوان یک الترنیف آینده خود داری میشد، شاید فاجعه افغانستان به این گستردگی نمی کشید و موقع به تجاوزشوروی و بالنتیجه

د پاپو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: د لیکنيزې بڼې پاڼوالی د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رالپولو مخکې په خیر و لولئ

بخون ریزی های مجاهدین نوبت نمیرسید و شهرتاریخی کابل به دستورحامیان تنظیمها به ویرانه موحشی میدل نمیگردید و خون ۶۵ هزارانسان بیگناه کابل خشت و سنگ آن شهررا رنگین نمیکرد.

همه صاحب نظران افغان بدین باوراند که تاروزیکه داؤدخان براریکه قدرت افغانستان تکیه داشت ، پاکستان جرئت نمیکرد بسوی افغانستان به چشم بد نگاه کند، ولی با از میان رفتن داؤدخان از صحنه سیاسی افغانستان، پاکستان توسط جواسیس رنگارنگ خود که در لباس رهبران تنظیمی ظاهر شدند، سعی کرد همه دار و ندار و هستی تاریخی افغانستان را به باد فنا بدهد. اردوی افغانستان را که نیرومند ترین اردوی منطقه بود، از بیخ و ریشه از میان ببرد و تمام وسایل و تجهیزات نظامی را بشمول طیارات جنگی میگ ۲۱ و ۲۲ و دیگرطیارات حمل و نقل نظامی و ده ها هزار وسایل زرهی و موتوریزه و غیره را با ذخایر راکت های دور برد سکاد و لونا و دیگرتجهزات ثقیله نظامی همگی توسط رهبرجمعیت اسلامی ویا رهبرشورای نظار به کشورهای پاکستان و تاجیکستان و غیره انتقال گردید و یا به نرخ گاه ماش فروخته شد و به حساب های شخصی ایشان ریخت و ذخیره گردید.

پیامد از میان رفتن داؤدخان، تنها به از میان رفتن اردوی افغانستان خلاصه نمیشود، بلکه درمدت چهاردهه سال اخیر پیوسته خون افغان توسط افغان ریخته شده، تمام تاسیسات زیربنائی، اقتصادی و آبیاری و بهداشتی و صحنی و مخابراتی و مواصلاتی و تعلیمی و خدماتی و غیره و غیره بوسیله ایجنت ها و جواسیس پاکستان درلباس رهبران و قوماندانان جهادی درافغانستان از میان رفته و از میان برده میشود.

این درحالی است که بدنبال آفت مجاهدین، بلای طالبان را پاکستان بر این کشورنازل کرد و بر اثر حادثه ۱۱ سپتمبر در امریکا، ۴۰ کشور جهان دریک ائتلاف ضد تروریزم برافغانستان حمله آوردند و از زمین و هوا بر این کشور ویران شده و این مردم بدبخت و بلا کشیده از اکتوبر سال ۲۰۰۱ بدینسو بمب های چند هزار کیلونی میریزند و از این کشورلاپراتوار آزمایش آخرین سلاح های کشتار جمعی ساخته اند. درحالی که اگر داؤدخان زنده می بود، بال و پرکسی میسوخت که بسوی کشورما به چشم بد نگاه کند.

درمقاله دلچسپ **داکتر پروین پژواک**، سخنانی به آدرس داؤدخان از قول مرحوم پژواک بزرگ، بازتاب یافته است که من تا کنون نظیر آن را از زبان هیچ یکی از رجال سیاسی همزمان داؤدخان نشنیده ام . مرحوم پژواک در سفریکه با داؤدخان به پاکستان داشته ، و در ملاقات با جنرال ایوب خان رهبر نظامی پاکستان که بشکل احساساتی صحبت میکرده و اوسنخان وی را با نرمی ترجمه میکرده است تا احساسات افغانی سردار جریحه دار نشود، تحمل داؤدخان را در برابر حریف پاکستانی اش به حیث یک زعیم ملی صبور می ستاید و میگوید:

**«در شناخت شخصیت وی (سردار) کشفی نو دست داد. نظریه اکثریت مردم را که من مایل بودم**

برآن صحت قایل شوم، غلط یافتم که میگفتند: «سردار مردی احساساتی و عصبی است» اما معلوم شد که مردی بی سنجش نبود و اگر اظهار عصبیت میکرد، آن را نیز سنجیده به کار می بست و احساسات او (اقلاً با خارجیان) در مذاکرات مهم در اختیار و زیرکنترول او بود.» پژواک ادامه میدهد: «انصافاً [داودخان] شخصی ملی و وطنخواه بود و بعد از وزیراکبرخان نمیتوان نظیر و مثال او را در تاریخ افغانها سراغ کرد.» (پورتال افغان جرمن، مقاله پروین پژواک، ۱۷ نومبر ۲۰۱۲)

کشش شخصیت داودخان بود که داکتر داود جنبش را وادار ساخت به دیدار زهره نعیم، خاتم برادر داودخان، در یکی از خانه های نگهداری کلان سالان در لندن برود و با او بحیث شاهدعینی ماجرای قتل وحشیانه داودخان و خانواده اش در شب ۷ ثور ۱۳۵۷، مصاحبه ای انجام دهد و بعد در بی بی سی انتشار دهد. متن مصاحبه خود را در پورتال افغان جرمن آنلاین نیز به نشر رساند. خواندن آن مصاحبه چنان تکان دهنده بود که من آنرا به دردی برگردان نمودم و داکتر سیاه سنگ را در کاتادا برآن داشت تا در جستجوی آن بیفتد که "۲۴ ساعت واپسین زندگی داودخان" چگونه گذشته است؟ و سواس بازشناسی ۲۴ ساعت واپسین زندگی داودخان، داکتر سیاه سنگ را واداشت تا در این زمینه کتابی زیر نام «وآن گلونه باران بامداد بهار» را به هموطنان ما عرضه کند.

کتاب سیاه سنگ نه تنها با استقبال گسترده اهل بصیرت افغانستان روبرو شد، بلکه ترجمه پشتوی آن از قلم نویسنده توانای کشور (رحمت آریا) تکمیل و برای چاپ آماده گردید. علاوه بر ترجمه روسی این کتاب، در کمتر از یک ماه بعد از طبع متن دردی آن در مسکو نیز به همت نویسنده و مترجم چیره دست افغان (غوث جانباز) از چاپ بر آمد و در دسترس علاقمندان حقایق آغاز تراژیدی افغانستان در سه دهه اخیر قرار گرفت.

نتیجه کار همین روشنفکران بود که دولت را وادار ساخت تا به دنبال کشف جسد آن شهید قهرمان آستین برزنند و سرانجام بعد از ششماه تلاش و مطالعات زینتیکی دولت کرزی موفق به کشف جسد آن شهید راه وطن گردید و در تپه قروغ در جنوب دارالامان با عزت بخاک سپرده شد.

**نام و یاد آن شهید قهرمان همواره زنده و جاویدان باد !**